

جلسه هفتم

شاهنشاهی کوشانیان

اجداد تاجیکان ، پارسها و گردها

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

Dr.Basir Komjo

ما همیشه برنامه های روشنگری خویش را ، بنام خداوند بزرگ ، آغاز می کنیم . با درود فراوان به خوانندگان گرانقدر ، ادای حرمت می نمائیم . و با عشق و علاقه ذاتی به هویت نیاکان خویش ، در خدمت شهروندان و فارسی زبانان جهان قرار داریم.

قبل از آنکه ما به جستارمورد پژوهش خود وارد شویم ، نیاز است ، کمی راجع به واژه ایران و ایرانی درنگ کنیم . در پژوهش وجستار های گفتاری و نوشتاری ما واژه های : ایران غربی و شرقی ، سرزمین نیاکان ، ایران بزرگ ، بار بار می آید . هدف مان از بکاربری واژه ایران ، همان ایران بزرگ فردوسی است . که شامل کشورهای تاجیکستان ، ازبکستان ، ترکمنستان ، افغانستان و ایران ، و شهرهای شمال غرب چین ، شمال هند ، پاکستان امروزی ، آذربایجان و عراق امروزی ... و غیره می باشند، که بنام قاره کهن نیز یاد می شود .

جلسه نوبتیاين بار ما ، بیان رویداد های تاریخی و سیاسی و فرهنگی ، شاهنشاهی کوشانی ها ، دودمان تاجیکان پارسها و گردها می باشد ، که از آغاز پیدایی آنها از سالهای (30 تا 375 میلادی) (1) حدود 345 سال و اندی ، بر قسمتی از سر زمین های آسیای مرکزی ، افغانستان امروزی و پاکستان امروزی ، مناطق شمالی هندوستان امروزی و شمال غرب چین ، حکمروایی نمودند.

از دید ما رویکرد اساسات روشنگری تاریخی یکی از وظایف مهم و بنیادی است.

که با این روش میتوان شعور اجتماعی جامعه را تغییر جهت داد . با تغییر اندیشه مردم و سوق سو دادن آن نیروی معنوی ، در مسیر واقعیت شناسی تاریخ ، می شود حرکت خود شناسی و خود ایستایی ملی را تقویت بخشید .

روشن است که مردم وبویژه جوانان ما ، باگذشت زمان ووجود عوامل سیاسی دیدخل داخلی وخارجی ، شعورانه از شناخت تاریخ نیاکان شان بدور نگهداشته شده اند. باید این مسافه خود شناسی هویت ملی را، بوسیله روش حل اساسی مسئله ، کوتاه ساخت.

قراریکه در برنامه هایی قبلی تذکر رفت ، که تاجیکان شامل گروه های اجتماعی : سغدیها، باختریا ، مرغیانها ویا اشکانی ها ، خوارزمیها، فرغانیها، سکایی ها ، کوشانی ها یا تخاری ها ، طاهری ها، صفاریها، سامانی ها وغوریها می باشند .

یوچی ها یا کوشانی های نخستین یکی از این گروه های تاجیک تبارایرانی بودند که درازمنه های 110 قبل از میلاد تا 75 میلادی در محدوده ای حوزه بلخ وبدخشان حکومت می نمودند .

کوشانی ها از جانب شمال وارد باختر شده بودند ، ودرروند تاریخ قدیم سرزمین ایران درحوزه های سیحون و شمال بحیره خزرو شمال بحیره سیاه زندگی داشتند .

منابع هندی ، کوشانیها را اصلاً تخاری میخواند و برخی از خاورشناسان اروپائی نیز به همین عقیده میباشند.

اکثر مورخین به این باوراند که خاندان کوشانا یا سلاله پادشاهان کوشانی اصلاً تخاری بودند. (2)

نگاه کنید به مجسمه سلسله کوشانی - در دایره المعارف بریتانیا



کوشانی ها در اوایل قرن اول میلادی کمی بعد از مرگ گندفر یا گوندفارس (پادشاه مقتدر دولت هند و اشکانی ، که در استان های شرقی آریانای بزرگ از حدود سال بیستم میلادی به بعد فرمانروایی داشت .) (3)

باختر را اشغال کردند و استان کابلستان را از زیر نفوذ شاهنشاهی اشکانیان یعنی پارتها ، یکی از گروه های دیگر ملیت تاجیک تبار ایرانی بیرون نمودند.

و شاهنشاهی کوشانی را در مناطق :ترکمنستان امروزی ، غرب چین تا مناطق مرکزی و شمالی هند ایجاد نمودند.

برنامه یورشگری کوشانیان ، موقعیت و مرکزیت فرمانروایی شان در امتداد جاده ابریشم ، آنها را قادر ساخت تا در ، سرزمین های میان **چین و روم ، سومین ابرقدرت عصر باستان** شوند.

بدینسان، آنها ، پس از یک جانشینی و شهرنشینی، تبدیل به یک دولت متمدن و مقتدر شهری شدند.

سلسله کوشانیان از نژاد ایرانی هستند. زبان ایشان فارسی و خود را متعلق به گروه های ملیت تاجیک میدانند .

دین رسمی سلسله شاهنشاهی کوشانی ها ، دین بودایی بود . زیرا آئین بودایی ، نزدیک به 342 سال قبل از استقرار سلسله کوشانی ، در عهد آشوکا پادشاه هند به سرزمین ایران شرقی وارد شده بود .

" آشوکا یکی از پادشاهان بزرگ هند از سلسله « موریایا » (Maurya) پسر « باندوس » و نوه « چندرا گوپتا » (که به احتمال زیاد از سکاهاى تاجیک تبار ایرانی اصل بودند) از (264 قبل از میلاد تا 227 قبل از میلاد) حکمرانی کرده اند .

او کابلستان و استانهای جنوب هندوکش ، حوزه رود خانه سند و گنگ یعنی تمام قسمت هند امروزی را به استثنای ناحیه انتهای جنوبی نجد دکن در تحت حکومت واحد در آورد و به پیشرفت آئین بودا سعی فراوانی نمود . " (4)

تندیس های بودای بامیان که توسط طالبان (گروه های مسلح اسلام گرای افراطی از قبایل پشتون افغان) در مارچ 2001 میلادی منفجر گردیده و نابود شدند ؛ پیش از طالبان نیز، مجسمه های تاریخی بودا ضربه های فراوانی دیده بود.

مسلمانان عرب ، اولین بار در زمان حجاج فرزند یوسف سقفی که در سالهای 661 تا 714 میلادی می زیست ، بر بامیان تسلط یافتند و تعداد

زیادی از معابد و مجسمه های آنرا با زیور آلات و اشیای قدیمی را به غنیمت بردند. حجاج بن یوسف سقفی یک ایران ستیز بود که در زمامداری وی در عراق زبان عربی جاگزین فارسی میانه شد.

عربها معبد طلایی بیت الذهب و روکش طلایی صورت پیکره های بامیان را از بالای پیشانی بطرف پایین تراشیدند تا از حالت بُت بودن خارج شود.

چنگیز خان مغول در سال 1222 میلادی ، اورنگ زیب در سال 1689 میلادی و عبدالرحمان خان پشتون در سال 1892 میلادی ، هر کدام به نوبه خود برای تخریب این دو مجسمه تلاش کردند و بر پیکر آنها صدماتی وارد ساختند.

به ادامه ، در آغاز دهه نود میلادی نیز در جریان جنگهای داخلی مجاهدین ، مجسمه های بودا، نیز از آسیب مصون نماند.

تندیس های دوره کوشانی ها در استان بامیان



که یکی از این تندیس ها به بلندی 53 متر و دیگر آن به



بلندی 35 متر بوده اند .

و همچنان : " مسکوکات یافت شده از « گردیز » ، خزانه تپه مرجان کابل ، زیور های « عاجی » از بگرام ، معبد مکشوفه در « قول نادر » کاپیسا ، آثار مکشوفه از معابد « شترک » و « شمشیر غار » و سایر معابد و مسکوکات هنری " (5) از یادگار دوره با عظمت فرهنگی کوشانیان و بوداییان قبل از آن دوره بوده اند.

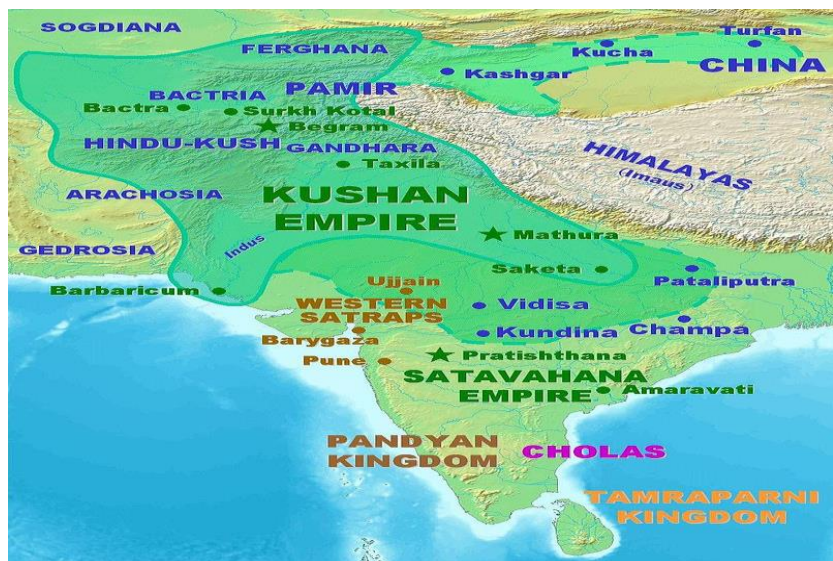
نخستین شاهنشاه کوشانیها

« کجولا کد فیزس » بود

نخستین حکمران کوشانی هرایوس (Heraios)؛ بود، که از سالهای یکم تا 30 ام میلادی فرمانروایی داشت. اما بزودی قدرت بدست کجولا کد فزس افتاد و او شاهنشاه واقعی کوشان شد. وبادرایت ویژه قبایل متفرق و ستیزه جوی کوشانی ها را در سده نخست میلادی متحد ساخت.

کجولا کد فزس، کاپیسا و کابلستان را تا رود سند با باختر و سغدیانه متصل ساخت، و حکومت بزرگ کوشانی را اساس گذاشت.

جغرافیایی سیاسی فرمانروایی کوشانی های تاجیک تبار ایرانی نژاد



بقول " تاریخ تاجیکان جهان " کجولا کد فزس، زیاتر از 56 سال برسرزمین ایران شرقی حکومت کرده است. بروایت غلام محمد غبار، شروع پادشاهی « کجولا کد فزس » بسال 78 میلادی (6)، اما براساس منابع خارجی شروع پادشاهی وی بتاریخ 30 میلادی تصدیق و تائید گردیده است.

دومین شاهنشاه کوشانیها

ویما کد فرس دوم بود

ویما کد فرس دوم ، پسر کجولا کد فرس ، بعد از پدر قلمروی شاهنشاهی کوشانی را وسعت داد.

وزمینه های مناسبی ، برای رشد اقتصاد کشور و بهره بری از ممکنه های تجارت راه ابریشم را ، میان چین و هند و ایران شرقی و غربی و سواحل مدیترانه و روم ، در منطقه ایجاد نمود .

و بعد از آن برای قرار داد ، روابط سیاسی و اقتصادی هئیتی را به دربار : مارکوس اولیپیوس ترا ژانوس امپراتور روم ، که میان سالهای 98 تا 117 میلادی حکومت می کرد ، اعزام نمود .

زیرا رومی ها سواحل آسیای مدیترانه یعنی انسجام راه تجارتی ابریشم را گرفته بودند.

چون رومی ها مردمان پولدار و تجملی و مشتاق پارچه های ابریشمین چین و عطریات و ادویه هندوستان بودند.

میتوانستند در مبادله این اشیاء که راه حمل و نقل آن در دست کوشانیان بود ، طلای بسیاری را در بازار های ایران شرقی سرا زیر نمایند .

لذا ویما کد فرس دوم خواست که بوسیله تسخیر کاشغرستان سر رشته راه ابریشم را از انحصار دولت چین بیرون بکشد ، و همه امتیازات را از آن خود بسازد.

متاسفانه باوجود جنگهای خونین با چین ، نتوانست به چنین مأمول خویش موفق گردد .

ماهیت راهبردی سیاست اقتصادی و فرهنگی حاکمیت ویما کد فرس بصورت ویژه ، ودولت کوشانی در کل – سازگار ترین شیوه ای برای همگرایی فرهنگهای مختلف جهان متمدن آن زمان بود .

زیرا تحقق برنامه های اقتصاد سیاسی و تأمین مسئله ثبات وامنیت حاکمیت کوشانی ها از یکسو ، و پیروی آنها از پذیرش اصول آزادی عقیده وایمان ازسوی دیگر ، شرایط جلب بازرگانی وتجارت آزاد را در سرزمین سغدیان ، باختریان وتخاریان وسکاها ، مساعد گردانیده بود .

که پسانها این اصول احتمال تلفیق کثرت گرایی فرهنگی ملیت های مختلف را، در ایران بزرگ مساعد ساخت .

پادشاهان کوشانی کجولا کدفیزس و ویماکدفیزس جانشینان ایشان ؛ سکاها(دولت هندوسکائی) را در شمال هند شکست داده و تمام قلمرو سرزمین سکاها را به تصرف خویش درآوردند.

و شاهنشاهی ای را بنیان گذارد که بازماندگان کوشانی پس از این ، آنرا از رود گنگ در شرق تا صحرای گبی در شمال وسعت بخشیدند.

کجولا کدفیزس پدر ویماکدفیزس در سال 48 میلادی ، پس از گرفتن باختر از هندوکش عبور کرد و در دره کابل با هرمایوس (Hermaeus) ، واپسین پادشاه یونانی آن منطقه متحد شد.

تصویر کنیشکا و کجولا کدفیزس



کاد فیزیس کوشانی



کنیشکا کوشانی

کجولا کدفیزس از سکاها ، هندوپارتیان - قلمرو فرمانروایی کوشان را به سرزمین گندهارا یعنی در شمال شرقی افغانستان و شمال پاکستان، گستراند.

و شهر تاکسیلا یا پشاور امروزی را پایتخت مهم زمستانی خود، و شهر بگرام را که در دوران باستان کاپیسا نامیده میشد، واقع در نزدیکی پایگاه هوایی بگرام را ، به عنوان پایتخت تابستانی خود برگزید . که این شهر مرکز عمده بازرگانی نیز بود.

از این دو پایتخت ، و چند مرکز مسکونی و بازرگانی دیگر در شمال ، کوشانیان بزودی فعالترین بازرگانان منطقه شده ، و الفبای یونانی را برگزیدند.

و سکه های طلائی خود را ضرب کردند. که در آن چهره های شاهنشاهان کوشانی ، شعارها و نمادهای یونانی و تاثیرپذیرفته از مسکوکات رومی نقش میشد ، و از این سکه ها برای داد و ستد از کاروانهای جاده ابریشم استفاده میشد.

کانیشکا بزرگ

شاهنشاه کوشانیها



سکه طلائی کانیشکا ، شاهنشاه مقتدر کوشانی

نوشته روی سکه ، به زبان باختری و خط یونانی ، (با اضافه شدن حرف کوشانی *p* « ش »):

نوشته پشت سکه ، به خط یونانی : بودا *BODDO* در سمت راست نشان کانیشکا ترسیم شده است و در موزیم بریتانیا نگهداری می شود .

مقتدر ترین پادشاه باکفایت شاهنشاهی کوشانی ها ، کانیشکای بزرگ بود . و به سالهای (120 – 160 میلادی) یعنی بمدت چهل سال حکومت کرد .

وی بخاطر دستاوردهای نظامی ، سیاسی و روحانی اش در تاریخ باستان سرزمین ایران شرقی نیاکان ما شهرت بسزایی دارد.

قرار گرفته فوق کانیشکای بزرگ از پایتخت های : تابستانی شهر بگرام و زمستانی شهر پیشاور - به تمام جغرافیایی سیاسی ایران شرقی فرمانروایی می کرد.

اینجا "جعبه کانیشکا"، CE مورخ 127 ، با بودا، احاطه شده بوسیله براهما ، و کانیشکا ایستاده در مرکز بخش پایین تر، این جعبه نگهداری می شود در موزیم بریتانیا.



همچنان توجه کنید به آثار دریافت شده بودا از گُنبد کانیشکا در پشاور پاکستان ، که در سال 1910 میلادی ، توسط انگلیسی ها به Mandalay برمه ، فرستاده شده بود،



کانیشکا در پیشبرد ، توسعه و تحکیم حاکمیت کوشانی ها در شمال غرب بر دولت اشکانی ها چهره شد و در ترکستان شرقی : کاشغر، یارکند ، وختن ، از توابع چین را تحت تصرف خود در آورد. و حدود قلمرو حکمروایی کانیشکا بین دریا های گنگ و جیحون ، واز تارم تا مرز ایران امروزی افتاده بود.

پس از کانیشکا جانشینان او در اشتهای تسخیر هندوستان فرو رفتند . و سرانجام در آن سرزمین بزرگ نابود گردیدند . بگونه مثال :

واسودوا که در سالهای (182 تا 220 میلادی) فرمانروایی می کرد. آخرین شاهنشاه سلسله کوشانی است که بساط خویش را در آرزوی اشغال کامل هندوستان برچید و شهادت را پسندید .

بعد از مرگ « واسودوا » قلمرو شاهنشاهی کوشانیها به شاهان کوچک محلی تقسیم گردید .

قابل تذکار است که ایجاد تأسیسات اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی ، و وجود کاریزها و تونل ها برای آبیاری ، رشد صنعت دستی ، داشتن لباسهای حریر و پشمی بشکل امروز ، و تعدد دین و مذهب و کثرت گرایی اندیشه ، تبیین تسهیلات حیات همزیستی مسالمت آمیز ، همه و همه ثبوت انکار ناپذیر از مدنیت و ثقافت دوران استقرار

شاهنشاهی کوشانیهای تاجیک تبار ایرانی بوده اند . که از اهمیت و ارزش تاریخی و فرهنگی بزرگی برخوردار می باشد . ومایه مباحثات و سرفرازی مردم ما ، در همه اعصار است .

" ارد شیربابکان از سالهای (224 - 241 میلادی) ، نخستین شاهنشاه ساسانی ایران بزرگ پس از تسخیر سگستان و ابرشهر ، و مرو و خوارزم و بلخ ، قدرت خود را بر نواحی ایران شرقی نیز بسط داد .

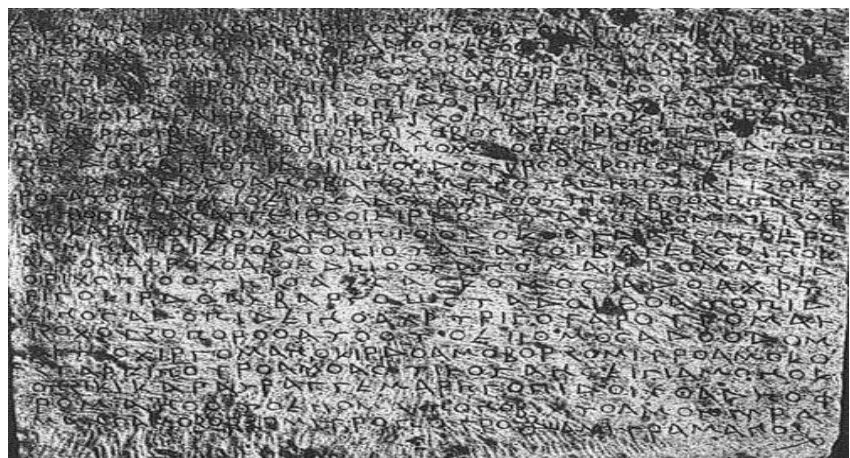
و پادشاهان کوشانی : دره کابل و پنجاب ، و توران قزدار (در جنوب کویته) و مکوران (یامکران) ، سفیرانی بحضور او فرستادند، و او را به شاهنشاهی شناختند. " (7) مگر بخش از گروه های کوشانی تاجیک تبار بدور از حاکمیت ساسانیان و خاقان چین بمدت پنجمصد سال در حوزه تمدنی کاشغرستان و سین کیانگ چین زیر نام دولت کوشانی "کیرپاند" تاجیک حکومت کردند .

دولت کوشانیها (سرزمین ایران شرقی) از آن پس تا دوران بهرام دوم ساسانی از سالهای (275 - 293 میلادی) فرمانروایی کرد ، بار دیگر همچو دوران نیاکان ما : شاهنشاهی ماد ها و شاهنشاهی هخامنشها و شاهنشاهی اشکانی ها در جنب ساختار جغرافیایی سیاسی تشکیلات ایالاتی ایران بزرگ دولت ساسانیان شامل گردید . (8)

دستآورد های فرهنگی کوشانی ها

اجداد تاجیکان ، پارسها تبار و گُرد

نگاه کنید به سنگ نوشته رباتک ، به زبان باختری و خط یونانی ، از دوران کانیشکا بزرگ ، شاهنشاه مقتدر کوشانی .



در این سنگ نوشته زبانی بکاررفته ، بنام زبان آریایی (ariay) یاد شده است (9)

این هنر باستانی پیدا شده درپایگاه باستان شناسی سُرخ کوتل ، درولایت بغلان ، از سدهٔ دوم میلادی ، نگهداری می شود در موزیم ملی کابل.

قراریکه گفته آمدیم کوشانیان در زمان فرمانروایی کانیشکا بزرگ برتمام جغرافیایی سیاسی آسیای میانه فرمان می راندند.

و ازفعالیت‌های گستردهٔ بازرگانی راه ابریشم ثروتی بزرگ جمع آوری کردند. و در این دوره شهرها بزرگ اعمار گردید.

وحیات اجتماعی رونق بسیار پیدا کرد. و هنر وصنعت تندیس گری بودایی و بنای معابد به اوج تکامل خود رسید.

زندگی شهری تحول بزرگی در زیست اجتماعی کوشانیان به وجود آورد. آنها که در ابتدا آگاهی و تجارب ویژه ای در فرهنگ و هنر ، و رویکرد ساختمانی پیشرفته ای از خود نداشتند ، و به هر آرت و هنردستی ای که در مسیر راهشان به آن سر می خوردند . وبا درک و ذوق وتمایل ایشان سازگاری وتناسب داشت . آنرا می پذیرفتند .

این رویکرد فرهنگی وشبوه اقتباس گونه ، سرانجام در دوران حاکمیت کوشانیان منجر به پیدایی یک هنرخود پای بومی ودرخشان در سرزمین نیاکان ما گردید.

بنمایه این هنر از هم آمیزی اندیشه های یونایی – باختر ، با امتزاج اندیشه های شرقی هندی و آسیای میانه ، تأثیر می پذیرفت .

منطقهٔ گندهارا : در شمال شرقی افغانستان و شمال پاکستان ، در قلمرو شاهنشاهی کوشانی ها ، نماد یک جامعهٔ چند قومی کثرت گرا و مدارا با اندیشه های مذهبی گوناگونی بود.

موقعیت راهبردی جغرافیایی سیاسی گندهارا ، و دسترسی مستقیم آن به راههای تجارت زمینی جاده ابریشم ، و پیوند آن با بنادر – در دریای عرب ، این ساحهٔ راهبردی را ، در جریان تاریخ ، آماجگاه لشکرگشایی های متعدد بیگانگان ساخته بود.

این موقعیت سوق جیشی در بحبوحه تحولات اجتماعی ، باعث در آمیختگی اندیشه ها ، ذهنیت ها وباور ها ، و ادغام نژادها ومهارت هایی که در غرب و شرق رشد یافته بودند، فرهنگی نوینی را ایجاد نمود

. که بگونه روشن در صنعت دستی و آرت و هنرهای تصویری دوره حکمروایی کوشانیان دیده میشود.

بنمایه نقاشی ها و تندیسها در دوران کوشانی ها برگرفته شده از امتزاج افسانه های یونانی و رومی ، با نماد ها و ظرافت های بودایی .

از جمله ترسیم بودا - در شکل یک انسان ، و ابتدایی ترین نگاره های شخصیت های مهم بودایی ، چون بوداسف (Bodhisattva) در عصر کوشانیان را ، میتوان مشاهده کرد.

نگاه کنید به تندیس زن ایستاده بر روی یک ماکارا (makara) - موجود دریایی افسانه ای در آئین هندو ؛ این تندیس یافت شده از پایگاه باستانشناسی بگرام ، در ولایت پروان ، نزدیک به دوهزار سال پیشتر از امروز ، نگهداری می شود در موزیم ملی کابل .



کوشانیان گرد آورندگان هنر نبودند ، بلکه مشوقان اصلی هنر و صنعت و مولدان تندیس ها و خلق کنندگان آرت و آثار هنرنقاشی و دست کاری بوده اند .

براساس دستاویز هیران کوشانی ، درخواست می شد که تا چهره ها و پوشاک آنان ، در کنار بودا و همراهان وی قرار داده شوند.

با این نگرش بود ، که کوشانیان با خود استواری اندیشه جدید و آمیخته به فرهنگ بومی نیاکان ، سبکی بی مانندی از هنرگندها را بوجود آوردند . که عبارت اند از :

یکم - سُرخ کوتل :

وجود نمادهای نقاشی و مجسمه سازی هنر تاجیک ایرانی نیاکان ما ، در فرهنگ کوشانی ها از همه بیشتر در ویرانه های بجای مانده از مجموعه ای نیایشگاه زرتشتی سُرخ کوتل، با پلکان یا راه زینه پیشرفته، واقع شمال هندوکش ، در نزدیکی شهرپلخمري ، مرکز ولایت بغلان دیده میشود.

نگاه کنید به چهره ویما کدفرس که در نیایشگاه زرتشتی سُرخ کوتل ، واقع در ولایت بغلان یافت شده ، و در موزیم بریتانیا نگهداری می شود.



باز شناسی و کاوشهای علمی زمین شناسی بدست آمده از سُرخ کوتل ، میان سالهای 1952 و 1966 ، بیانگر همزیستی آیین خالص بومی زرتشتی نیاکان ، بدون هیچگونه تاثیرپذیری از بوداگرایی ، در این منطقه می باشد .

به نظر میرسد کانیسکای بزرگ از هر دو آیین ، بودایی و آیین نیاکانش ایرانی میترائیسم استقبال کرده است.

پرچه هائیکه از تندیس کانیشکا در سُرخ کُوتل پیدا شده از آثار نفیس باستانی موزیم ملی کشور ما در کابل به شمار می روند.

نگاه کنید به خیمه قُرنِتس از سُرخ کُوتل ، با حضور نمایندگانی از یک بودا (؟). نگهداری می شود در موزیم گیمة پاریس .



دوم - گنجینه بگرام :

قسمی که در فوق ذکرش رفت ، گنجینه بگرام در نزدیکی شهر امروزی چاریکا ، در محل پیوندگاه غوربند و دره استان پنجشیر، در امتدادجاده ابریشم واقع بود.

در اطراف جاده اصلی در بگرام ، که توسط دیوار خشتی بلند با برج و باروهایی - در چهار گوشه آن مستحکم شده بود، قصر فرمانروایی تابستانی کوشانی واقع در این شهر ، با کارگاه ها و دکان هایی زیادی واقع بودند .

نگاه کنید به تندیس آفرودیت ، بدست آمده از اتاق 13 در گنجینه بگرام ،
سده نخست میلادی، گچی ، نگهداری می شود در موزیم ملی کابل .



نگاه کنید به تصویر یونانی - رومی از یک گلادیاتور بر روی ظرف
شیشه ای ، پایگاه باستان شناسی بگرام در ولایت پروان ، سده نخست
میلادی ، نگهداری می شود در موزیم ملی کابل.



نگاه کنید به لوحه تزئینی بزرگی با چند زن در زیر مدخل آن ، از پایگاه باستان شناسی بگرام در ولایت پروان ، سده نخست میلادی ، نگهداری می شود در موزیم ملی کابل. .



در دوران حکمروایی کوشانی ها ، عاج های نفیس از هند ، جعبه های لاکه از چین ، ظروف شیشه ای و بُرنزی از مصر و روم ، برجسته کاری های گچی تزئینی و دیگر اشیاء از جاده ابریشم ، نمایش و داد و ستد میشدند . و احتمالاً به شکل کالاهای نگهداری میشدند تا از روی آنها کاپی برداری شود.

برخلاف میل ، افتادن کاپیسا (بگرام) بدست شاهنشاهی ساسانیان ایران بزرگ ، در حدود سال 241 میلادی ، دو انبارخانه مملو از کالاهای جاده ابریشم ، که برای جلوگیری از شناسایی آنها مُهر و موم شده بودند ، تا مدت قریب به یک هزار و هفتصد سال ، در داخل قصر ، در امان مانده بودند . تا اینکه در سالهای دهه 1930 میلادی توسط باستان شناسان فرانسوی کشف شدند.

هر یک از این آثار نفیس "گنجینه بگرام" گواهی است بر رونق بازرگانی در عصر کوشانی های ایرانی (اجداد تاجیکان وپارسیها) ، و احتمال وجود بازارهای مشابه در امتداد جاده ابریشم ، در سرتاسر جهان متمدن آن دوران .

این کشفیات شیفتگی ما را با دست ساخته های ماهرانه و شهروندی بسیار فرهیخته و با فرهنگ ، در عصر کوشانیان تجدید میکند.

سوم - گنجینه معابد بودایی در هده :

هده یک پایگاه باستان شناسی یونانی - بودایی ، در سرزمین باستانی گندهارا ، در ده کیلومتری جنوب شهر جلال آباد واقع است . که یکی از بزرگترین معابد و زیارتگاه های بودایی در جهان ، در سده های نخست تا سوم میلادی بوده است.

هده با موقعیت کلیدیش بیش از بیست و سه هزار 23000 ، پیکره های یونانی - بودایی ساخته شده از خاک رُس و گچ ، تزئینات معماری و سردیس ها و تندیس هایی ، از هر بخش و مقامی ، از هر گونه چهره ای ، از هر گوشه دنیا را نشان میداد ، کشف شدند .

وسر انجام این همه آثار فرهنگی و هنری ، سر از کتابخانه بریتانیا در لندن ودانشگاه واشنگتن در سیاتل ، کشیدند .

از نگاه سیاسی این همه سکه ها و نوشته های هنری بجا مانده در گُل ، مالک قانونی اش شهروندان حوزه فرهنگی ایران بزرگ اند ، مگر از دید میراث تاریخی و سیاسی ، مختص متعلق به ملیت سربلند تاجیکان وپارسیها می باشند.

نگاه کنید به مجسمه جنیوس (Genius) حامل دسته گل، بدست آمده از
نیایشگاه تپه کلان در پایگاه باستان شناسی هده در شهر جلال آباد ، سده
های چهارم و پنجم میلادی، نگهداری می شود در موزیم گیمه در
پاریس .

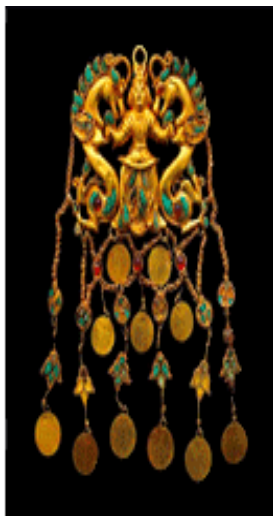


نگاه کنید به چندچهره نگاری ، بدست آمده از نیایشگاه تپه کلان، پایگاه باستان شناسی هده در شهر جلال آباد ، از سده سوم پس از میلاد، نگهداری می شود در موزیم گیمه در پاریس .



چهارم - مسکوکات گنجینه « میرزکه » :

نگاه کنید به مسکوکات یافت شده گنجینه "میرزکه" واقع در نواحی شهر "گردیز" مرکز ولایت "پکتیا" در جنوب شرق کشور، یکی از گنجینه های مهم نیاکان ما ، که حاوی 50 هزار اثر با ارزش هنری می باشد. و از دوران شاهنشاهی نیاکان ما : کیانیان ، هخامنشیان و اشکانیان و کوشانیان ، بجامانده است .



قابل یادآوری است که چهارتن سکه باب ، پنجم صد کیلو زیورات ، و یک تعداد آثار تاریخی دیگر در جریان سالهای 1992 الی 1994 از منطقه گنجینه میرزکه ولایت پکتیا که یافت شده بود ، به طور غیر قانونی حفاری و به پاکستان انتقال گردیده است .

ودولت افغانستان مکلف است که از دولت پاکستان درخواست قانونی نماید تا این گنجینه قیمت بهای ملکیت نیاکان ما را بیدرنگ بمردم ما رد نمایند .

منابع و مأخذ از بخش کوشانی ها

- 1 - تاریخ تاجیکان جهان ، منصور بابیه خان ، سال 2004 میلادی ، بزبان روسی ، ص 31 .
- 2 - رجوع شود به منابع :
- تاریخ مختصر آریانا... ، نجیب الله توروایانا ، موسسه انتشارات ، بازار قصه خوانی ، سال 1379.
- تاریخ و فرهنگ ترکمن ها ، محمد صالح راسخ یلدرم ، کتابخانه سبا ، سال 1382 .
- تحقیقات باستان شناسی در شمال شرق افغانستان ، محقق کتابخان فیضی، اکادمی علوم افغانستان ، چاپ مطبعه بهیر ، سال 1383 .
- باستانشناسی افغانستان ، دکتر اکتم بابایوف و دیگران ، دانشگاه کابل ، سال 1361.
- 3 - ایران در زمان ساسانیان ، ترجمه رشید یاسمی ، جلد 2 .
- ایران باستان، پیرنیا، جلد 3 ، ص 2263 .
- سکههایی به نام این شهریار در سیستان و هرات و قندهار و حتی در پنجاب پیدا شده است. بنابر يك داستان هندی، سنتوماس یکی از حواریون مسیح بوده است، که در زمان گوندفر در سال 29 میلادی به هند مسافرت کرده.
- 4 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، جلد 5 ، ص 153 .
- 5- افغانستان در مسیر تاریخ ، غلام محمد غبار ، سال نشر 1346 ، ص 51 .
- 6 - افغانستان در مسیر تاریخ ، غلام محمد غبار ، سال نشر 1346 ، ص 50 .
- 7 - رجوع شود به (mandegar.tarikhema.ir / اردشیر-یکم-بابکان (-
- 8 - ایران در زمان ساسانیان، کریستن سن، آرتور ، ترجمه رشید یاسمی ، تهران : انتشارات امیر کبیر، 1367 .

– تاجیکان ، تاریخ قدیم ، قرون وسطا، و دوره نوین ، غفوروف،
باباجان ، دوشنبه : مؤسسه انتشاراتی عرفان، لیتوگرافی چاپ و
صحافی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
1377 .

9 - دانشنامه ایرانیکا، سرواژه- "IRANIAN IDENTITY ii. PRE-
ISLAMIC PERIOD"، نوشته گِرادو گنولی (GHERARDO GNOLI)